

نقش نهضت عاشورا در انقلاب ایران

از نگاه شعر معاصر عربی

دکتر جلال مرّامی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

(از ص ۹۷ تا ص ۱۱۲)

چکیده

این مقاله پس از نگاهی اجمالی به اصول و عوامل شکل‌گیری نهضت عاشورای حسینی، تأثیر و نقش آنها را در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است.

شاعران عربی معاصر با الهام از بیانات و سیره عملی امام حسین (ع) در قیام عاشورا که در نهضت امام خمینی (ره) و اندیشه عاشورایی او تبلور و تجلی یافته و در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی ایفا کرده است، توانسته‌اند از نقش حسین گونه امام (ره) نسبت به شناخت عوامل یاد شده، آشنا کردن مردم به اوضاع و شرایط موجود در جامعه ایران ایجاد شور و حماسه حسینی در دل مردم ایران جهت برپایی قیام عاشورایی و نهایتاً پیروزی انقلاب اسلامی، تصویر گویا، زیبا و درخور تحسینی ارائه دهند.

واژه‌های کلیدی

عاشورا، تأثیر نهضت عاشورا، انقلاب اسلامی در شعر معاصر عرب، امام حسین (ع)، امام خمینی .

مقدمه

بررسی علل و عواملی که موجب پیدایش انقلاب اسلامی و پیروزی آن گردید، ما را از آفاق اندیشه و فرهنگ عاشورایی امام خمینی (ره) - که از اندیشه ناب و اصیل امام حسین (ع) سرچشمه می‌گیرد - آگاه و مطلع می‌سازد. از این رو، نخست برخی از علل و عوامل که موجب قیام عاشورا گردید، بر می‌شماریم تا نقش و جایگاه آنها را در نهضت عاشورایی امام خمینی (ره) دریابیم؛ زیرا که او خود به مناسبت سالگرد پانزده خرداد فرموده است: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است» (خمینی، صحیفه، ۱۲/۱۸). سپس نقش و تأثیر همه جانبه نهضت عاشورا را بر انقلاب اسلامی ایران از دید شاعران معاصر عرب بررسی می‌کنیم تا جلوه‌های آن را که در آینه شعر معاصر عربی منعکس گردیده است، به خوانندگان عزیز بنمایانیم.

عوامل قیام عاشورایی امام (ره)

- حکومت جور و حاکم ستمگر

از جمله علل و عواملی که موجب شد امام حسین (ع) قیام عاشورا را برپا کند، وجود حاکم ظالم و جائری بود که بر مردم حکومت می‌راند و بر آنان ظلم روا می‌داشت.

امام (ع) این مطلب را در منطقه «بیضه» آنگاه که در میان یاران خویش و همراهان حر خطبه خواند، از زبان پیامبر نقل کرد و فرمود:

«ایها الناس ان رسول الله (ص) قال: من رای سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله، ناکثاً لعهد الله، مخالفاً لسنة رسول الله، يعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان؛ فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله؛ (طبری، تاریخ، ۳۰۴/۴). ای مردم! پیامبر خدا (ص) فرمود: هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام‌های خدا

را حلال می‌شمرد و پیمان خدا را می‌شکند و با سنت پیامبر خدا مخالفت می‌ورزد و با گناه و دشمنی در میان بندگان خدا حکم می‌راند؛ پس او را با کردار و گفتار انکار نکند، بر خدا لازم است او را با جایگاه سلطان در آورد.»

در شعر معاصر عرب علت یاد شده را از جمله عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، نهضت عاشورایی امام خمینی (ره) می‌بینیم که شاعر به گونه زیبا با الهام از حدیث امام حسین (ع) که علت قیام خویش را حکومت جور مطرح ساخت، امام خمینی (ره) را حسین زمان معرفی کرده، می‌گوید: خمینی (ره) اندیشه امام حسین (ع) را نسبت به شاه امری یقینی و اثباتی شمرد و یقین کرد شاه مثل یزید، حاکم جائز حيله‌گری است که حرام خدا را حلال می‌شمرد و با سنت پیامبر خدا مخالفت می‌ورزد و پیمان خدا را می‌شکند... از این رو پیکار و جهاد خود را علیه شاه به عنوان ادای واجب الهی آغاز کرد.

خمینی الحسین اتی فأحیا مآثر جده لله قصد...
رأی رأی الحسین السبط أمراً بان الشاه مثل یزید و غد

(قائم شرف، النبأ العظيم، ۷۰)

خمینی حسین وار آمد و به قصد نیت الهی، ارزش‌ها و مآثر جدش را احیاء نمود. او اندیشه و دید حسین فرزند پیامبر (ص) را در باره شاه که چون یزید، حاکم پست، فرومایه و حيله‌گری است امری یقینی و معتبر دانست.

ان الخمینی حسین جاء منتصراً من کربلاء و فیها الشاه منهزم

(عجمی، نعم لعینک، ۲۵)

خمینی پیروزمندانه، حسین وار از کربلا آمد و در آنجا شاه را از عرش ملوکانه به خاک مذلت و شکست نشانید.

- یاری دین اسلام

از جمله اسبابی که موجب قیام عاشورای امام حسین (ع) گردید، از بین رفتن حقیقت اسلام به دست بنی امیه و کشیدن قلم سرخ بر چهره سرخ و نورانی دین اسلام و وارونه جلوه دادن آن و در یک کلمه، قضیه خدا و اسلام است. (معاونت مؤسسه نشر، قیام عاشورا...، صص ۲۹ و ۳۰).

در تبیین این مطلب از گفتار امام (ع) استفاده می‌شود:

«ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیاسیوف خذینی»

یا خطبه‌ای که در منطقه ذی حسم ایراد کرد و خطاب به مردم فرمود:

«الا ترون ان الحق لایعمل به و ان الباطل لایتناهی عنه... فانی لا اری الموت الاستعاده و الحیاه و مع الظالمین الا بر ما» ایا نمی‌بینید که حق به کار بسته نمی‌شود و از باطل نهی کرده نمی‌شود... پس من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنجش و انزجار نمی‌بینم (الحرانی، تحف، ۲۴۱).

امام (ره) از نهضت عاشورا چنین آموخته بود که هرگاه حق و حقیقت (دین اسلام) به دست دستگاه ستمگر تحقیر، سرافکنده و نابوده شده باشد؛ باید آتش جهاد و مبارزه را بر افروخت. از آنجا که حق را در صحنه جهانی به دست حاکمان زر و زور شکست خورده و نابود شده یافت، مانند حسین (ع) شمشیر را به دست گرفت و جهاد و نهضت عاشورایی خویش را برپا کرد.

شاعر عربی با بیان این مطلب نقش نهضت عاشورا را در شکل‌گیری انقلاب

اسلامی چنین عنوان می‌کند:

تسعین عاماً بمیدان الجهاد قضی لم یتن من عزمه المنفی و ما رهبا
أزری بطاغوت العصور و جهبتها لولاه ما زعزع الطاغوت و انقلابا

(محمود، هذا لامام، ...، ۵۷)

امام نود سال از عمر خویش را در میدانهای کارزار و جهاد سپری کرد؛

تبعیدگاههای مختلف عزم او را سست نکرد و در طول مبارزه ترس به دل راه نداد. از این رو طاغوت و بت زمان را تحقیر و نابود کرد و اگر او نمی‌بود، عرش طاغوتیان به لرزه نمی‌افتاد و ویران نمی‌گشت.

شاعر در ادامه ابیات خود، علت نهضت عاشورایی امام (ره) را چنین بیان می‌دارد:

صحبت و جهک قرآناً ارتله قرأت فیه الهدی و الوعد و الادبا
وجه رأی الحق مهضوماً فأزره بغضبه ولغیر الحق ما غضبا

(محمود، هدامام،...، ۵)

صورت تو چون قرآنی به همراه من است و آن را تلاوت می‌کنم؛ در آن هدایت، ادب و وعده و وعید را قرائت می‌کنم. صورت قرآن گونه تو حقیقت را در جامعه شکست خورده یافت، بدین سبب با پیکار خشمگین خود آن را یاری کردی و خشم خود را فقط در جهت کسب رضای خدا به کار گرفتی.

از آنجا که ماهیت قیام امام حسین (ع) یاری دین جدش و جلوگیری از همه انحرافات دینی بوده، هویت نهضت امام خمینی نیز چیزی جز یاری و نصرت دین خدا نبوده است.

شاعر لبنانی انقلاب اسلامی را چنین معرفی می‌کند:

آمنت بالثوره العظمی هویتها ان تنصروا الدین اسراراً و اعلانا
(ابوجهاد، نصرمن الله، ۷۲)

به انقلاب بزرگ ایران ایمان آوردم، انقلابی که هویتش در نهان و آشکار یاری دین خدا است.

شاعری دیگر انقلاب اسلامی را بکر و با سیمایی نورانی معرفی می‌کند که انفاس روح بخش آن عطر دین را منتشر می‌کند.

فالثوره البکر فی ایامنا انتصرت فیها تغنی القوافی اجمل النغم

يصوع للدين من انفاسها عقب اطيباه كطيوب الزهر بالنسم

(هاشم، فی ذکری...، ۲۱)

انقلاب بکر در روزگار ما پیروز شد و اشعار زیباترین ترانه‌ها را در باره آن می‌سرایند. از انفاس این انقلاب عطر دین پراکنده می‌گردد، عطری که بوی خوش آن چون بوی گل به وسیله نسیم به هر جا منتشر می‌شود.

مخالفت با ارزش‌های الهی و سنت رسول الله (ص)

از جمله علل و عواملی که سبب شد امام حسین (ع) شمشیر حق را رد جهاد و قیام عاشورا برکشد، مخالفت و دشمنی بنی امیه با سنت پیامبر خدا (ص) و نیز ترویج گناه و حلال شمردن حرام الهی، توسط آنان بود. از این رو امام (ع) در خطبه خود در منطقه «بیضه» از قول پیامبر خدا فرمود:

«مستحلاً لحرام الله، ناکثاً. لعهد الله، مخالفاً لسنه رسول الله، يعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان» (طبری، پیشین، ۳۰۴/۴). «اگر سلطان جائری حرام الهی را حلال بشمرد، پیمان خدا را بشکند، و با سنت پیامبر خدا (ص) مخالفت ورزد، و در بین مردم با گناه و دشمنی حکومت کند، باید علیه او با گفتار و کردار شورش کرد.» بنابراین، امام (ع) با شناخت دردهای جامعه خویش احساس وظیفه نمود و جهاد مقدس خویش را آشکارا با فریاد و اسلاما علیه حکومت ستمگر بنی امیه برپا کرد.

شعر معاصر عرب با الهام از بیانات و سیره عملی حسین بن علی (ع) که در شخصیت فرزندش خمینی کبیر تجلی یافته، ترسیمی در خور تحسین در این باره ارائه می‌دهد.

امام تیرگی ستم و ضد ارزش‌هایی که چتر وسیعش بر جامعه ایران گسترانیده شده بود، و نیز وجود ظلمانی شاهان ایران و قدرتهای پشت پرده را شناخت. او

چون ستاره‌ای درخشان به تنهایی در پرده شب ظهور کرد، خرقه گناه و معصیت را به آتش کشید و فریاد یاری اسلام را سرداد.

وی که عصاره اسلام و چکیده تاریخ و از نسل حسین فاطمه (ع) است، برای برپایی جهاد و نهضت مقدسش، درسهای خود را از مدرسه محرم فرا گرفت.

او در حقیقت محصول و فارغ التحصیل مدرسه محرم است و همچون امام حسین (ع) دردهای جامعه خویش را شناخت. او با مرهم اندیشه و فرهنگ عاشورایی خود دردهای جامعه را التیام و شفا بخشید و جهاد را به عنوان فریضه الهی در برابر همه ستمگران جهان زنده کرد.

شاعر عربی در این باره چنین می‌گوید:

شق الظلام و أربع الظلاما	انصاح: انی انصر الاسلاما
قطب تفرد فی الدجی بسناً له	و هج یشع فیحرق الآثاما
و خلاصه الاسلام فيه تمثلث	و خلاصه التاريخ عاماً عاماً
من نسل فاطمه البتول، حسینها	هز العوالم فارساً و هماما
خریج مدرسه المحرم خرجت	عبرالعصور مشاعلاً اعلاما
قد ابصر الادواء و هو دواؤها	و شفی ببلسم فکرة الاسقاما
قال: الجهاد فریضه فلنحیها	لانسبق امریکا و لا صداما

(العمرانی، ذکری الامام، ۹۰)

پرده تاریک شب را درید و لرزه بر اندام ستمگران افکند، آنگاه که فریاد بر آورد که من اسلام را یاری می‌کنم. امام چون ستاره‌ای با نور فروزنده‌اش در پرده شب ظهور کرد و خرقه گناه را به آتش کشید. عصاره اسلام و خلاصه سال به سال (=عمر) تاریخ در شخصیت وی نمایان شده است.

او از نسل حسین فاطمه (ع) است که دل‌های تک سواران و دلیران صحنه نبرد و پادشاهان شجاع و سترگ عرصه گیتی را به لرزه انداخت. او از مدرسه محرم فارغ

التحصیل شده است؛ مدرسه‌ای که در طول اعصار شخصیت‌هایی چون مشعل‌های نورانی و پرچم‌های سرافرازی را تربیت کرده است. وی دردهای جامعه خویش را شناخت و خود داروی شفابخش آن گردید و با مرهم اندیشه‌اش دردها را التیام بخشید. او گفت: جهاد فریضه است و باید آن را زنده بداریم و اثری از امریکا و صدام بر روی زمین باقی نگذاریم.

-احساس وظیفه و تکلیف الهی

از عوامل دیگری که موجب گردید امام حسین (ع) در صحنه جهاد مقدسش گام‌های خونین بردارد؛ احساس وظیفه، مسئولیت و تکلیف الهی بود در برابر جامعه و امت خویش و نیز در برابر حاکم ستمگری که به عنوان خلیفه مسلمانان مستبدانه حکومت می‌کرد. امام خمینی (ره) خود در این خصوص می‌گوید:

«اینکه حضرت ابی‌عبدالله (ع) نهضت کرد و قیام کرد با عددکم، برای اینکه گفتند تکلیف من این است که استنکار کنم، نهی از منکر کنم.» (خمینی، پیشین، ۱۵/۱۴). و در جای دیگر می‌گوید: «اینجا بود که تکلیف اقتضا می‌کرد برای بزرگان اسلام که مبارزه کنند و معارضه کنند و این چهره قبیحی که اینها دارند از اسلام نشان می‌دهند و اشخاص غافل، ممکن است که خیال کنند که اسلام خلافتش همین است که معاویه و یزید دارد، این است که به خطر می‌اندازد اسلام و این است که مجاهده برایش باید کرد ولو انسان به کشتن برود.» (همان، ۳۱/۷).

این گفتار حسین زمان خود ترجمان گفتار جدش حسین بن علی (ع) است که در پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم مبنی بر بیعت با یزید فرمود:

«انا لله و انا اليه راجعون و علی السلام السلام اذ قد بليت الامه براع مثل یزید و لقد سمعت رسول الله يقول: الخلفه محرمه علی آل ابی سفیان فأذا رأیتم معاویه علی منبری فابقروا بطنه و قد رآه اهل المدینه علی المنبر فلم یبقروا فابتلاهم الله

بیزید الفاسق» (ابن طاووس، لهوف، ۲۰). ما از خدائیم و به سوی او بر می‌گردیم و اینک باید فاتحه اسلام را خواند که امت مسلمان به فرمانروایی چون یزید گرفتار شده است. آری از جدم پیامبر خدا (ص) شنیدم که فرمود:

«خلافت بر خاندان ابوسفیان حرام است و اگر روزی معاویه را بر بالای منبر من دیدید، شکمش را بدرید (او را بکشید). مردم مدینه او را بر منبر پیامبر دیدند و نکشتند و اینک خداوند آنان را به یزید فاسق مبتلا نموده است».

بنابراین، امام حسین (ع) احساس وظیفه و تکلیف الهی کرد؛ شمشیر حق را کشید و آهنگ جهاد مقدسش را علیه دستگاه خلافت نواخت و بر صفحه فرهنگ و تاریخ، حماسه عاشورا را سرود و جز پیروی از فرمان خداوند متعال و رضای او، نیت و مقصودی نداشت.

شاعر عربی با بیان این مطلب - که امام وحی الهی را به صورت شعر در آورد و پس از گذشت پانزده قرن، سجده بر مهر سازش را چون سجده در برابر بتان، شرک شمرد و حماسه جهاد را نه احیاء بلکه ابداع کرد - نقش و تأثیر قیام عاشورا را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بیان می‌دارد؛ بدین گونه که می‌گوید نه تنها خود در برابر دستگاه شاهنشاهی و وضعیت امت اسلام در ایران، احساس وظیفه و تکلیف کرد، بلکه تمامی گروه‌های مردم را سازماندهی کرد تا واجب و تکلیف الهی را ادا کنند و سرود جهاد مقدس را علیه رژیم شاهنشاهی سر دهند و آن را ویران سازند. او خطاب به امام چنین می‌گوید:

یا شاعر الوحی قد ابدعت ملحمه
من الجهاد تفوق الشعر و الادبا
نظمت شمل فئات الشعب فانطلقت
الی النضال تؤدی فیه ما وجبا
حتی اطاحت بعرش الظلم معطیه
لک القیاد زعیماً مخلصاً و أباً
(عبدالرحیم، فرائد القصانه، ۳۵/۱)

ای کسی که وحی را به صورت شعر سرودی، تو حماسه جهاد را به شکل نوینی

درآوردی که بر شرع و ادب فایق آید.

تو ای امام! گسیختگی گروه‌های مردم را سازماندهی کردی به گونه‌ای که همگی به طرف مبارزه گسیل شدند تا وظیفه و تکلیف را اداکنند.

تا جایی که عرش ظلم را ویران ساختند در حالی که رهبری خود را به عنوان پیشوایی مخلص و پدری مهربان به تو سپرده بودند.

دیگر شاعر معاصر عربی در باره احساس وظیفه و ادای تکلیف و مسئولیت الهی

می‌گوید:

«امام خمینی به جرأت فریاد برآورد که باید پرچم جهاد را در مقابل دشمن برافراشت و با جهاد ادای وظیفه و تکلیف کرد؛ در این مسیر، کشته شدن یا پیروزی، در آغوش کشیدن احدی الحسنین است که در هر صورت مطمح نظر است. همچنین فرمود اگر خود به تنهایی در میدان جهاد تکلیف و وظیفه الهی را ادا نمایم، باکی نیست و از سرزنش احدی ترسی به دل ندارم.»

شاعر با بیان این مطلب، عمق تعلیم و تربیت امام را در مدرسه حسین (ع) و عاوشا و به عبارت دیگر نقش و تأثیر امام حسین (ع) و فرهنگ عاشورا را در شخصیت امام خمینی در طول جهاد مقدسش بیان می‌کند. او چنین می‌گوید:

قال الخميني الأبى بجراه	فلنحش افواه العدو رغاما
فاذا قتلنا قد و فينا ما اقضى	شرف الشهاده حسب ذاك مراما
و اذا ظفرنا فالحياه حياتنا	عزفتحس عند ذاك مقاما
بل قال روح الله: وحدى ثائرا	ابقى و لا اخشى بذاك ملاما

(همان، ۹۴/۱)

خمینی بزرگ منش با جرأت فریاد برآورد که باید (در میدان نبرد در ایام و ادای تکلیف کنیم) دهان دشمن خدا را از خاک پر کنیم. در این راه اگر کشته شدیم به میثاق الهی عمل کرده‌ایم؛ میثاقی که مقتضی نیل به شرف شهادت است و همین ما

را مرام و مقصد است.

و اگر در عرصه پیکار پیروز شدیم، زندگی با عزت و سعادت از آن ما خواهد شد و جایگاه و استقرار خویش را لمس خواهد کرد. روح الله در صحنه پیکار از این نیز فراتر رفت و گفت: (اگر همگی میدان جهاد را ترک کنند) خود به تنهایی سلاح مبارزه و جهاد به دست می‌گیرم و از سرزنش احدی نمی‌هراسم.

- حماسه سرایی مرگ و اشتیاق به آن در صحنه جهاد و مبارزه

امام حسین از آغاز جهاد مقدسش تا منزلگاه‌های بین مکه مکرمه و کربلا و از آنجا تا قتلگاه، این شعار تربیتی و حیات بخش را سرلوحه حرکت خویش و نصب العین خود قرار داده بود که: «انی لا أرى الموت الا سعادة و الحياه مع الظالمين الا برما» (خوارزمی، مقتل الحسین، ۵/۲). «من در محیط ذلت باری که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی کرده نمی‌شود، مرگ را جز سعادت و خوشبختی، و زندگی با ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی‌دانم.»

و در میدان شهادت حماسه‌های متعددی را سرود که همه گواه بر استقبال از مرگ و ذلت ناپذیری امام (ع) می‌باشد. مرگی که احیاگر اسلام، تربیت کننده انسان در نیل به فضایل و کرامت‌های انسانی است. امام (ع) در حماسه مرگ چنین آهنگ شعر را می‌سراید:

الموت اولی من رکوب العار والعار اولی من دخول النار

(نجفی، سخنان حسین، ۲۹۲)

مرگ از پذیرش ننگ نکبت برتر است و پذیرش ننگ نیز از ورود به آتش.

انا الحسین بن علی الیت ان لا انثنی
احمی عیالات اُبی أمضی علی دین النبئی

(عبدالرحیم، پیشین، ۹۱/۲)

من حسین بن علی هستم و سوگند یاد کرده‌ام که در برابر دشمن سر فرود نیاورم.
من از اهل و عیال پدرم حمایت می‌کنم و براساس دین جدم پیامبر اسلام (ص)
حرکت و جهاد می‌کنم.

شعر معاصر عربی در تمامی جنبه‌ها، نقش و تأثیر امام حسین (ع) و قیام عاشورا
را بر خمینی کبیر و انقلاب اسلامی ایران بیان داشته است؛ به طوریکه حتی در
بخش رجزخوانی‌ها و حماسه‌سرایی‌های میدان پیکار و مبارزه آن به روشنی در
شعر عربی رخ می‌نماید. در این بخش شاعر می‌گوید:

و سیدالشهدا و الامر یومئذ	أمست قیادته فی کف منتقم
فقال و الله لا اعطى لکم بیدی	اعطاء ذل و لا انقاد كالخدم
فلا أرى الموت الاعزه و علی	والسیف خیر جواب ناطق بفم

(هاشم، همان، ۲۱)

امروز رهبری جهاد و انقلاب عاشورا به دست انتقام‌گیرنده خون حسین بن
علی (ع) خمینی کبیر است که گفت: به خدا سوگند ذلت بار بیعت را در دستان
ستمگر جائر شما نمی‌نهم و چون بندگان حلقه به گوش فرمان شما را پیروی
نمی‌کنم. من مرگ را چیزی جز عزت و سعادت نمی‌دانم و پاسخ شمشیر را بهترین
پاسخ‌ها می‌شمرم.

شاعر در ادامه می‌گوید:

هذا الالباء الرفیع الموهوب شارکما	اجداده حاربوا الطغیان فی القدم
و بین جنیبه عزم من ابی الشهدا	و جراه من علی فارس الأجم
فارتاع أعداه خوفاً لهیبتة	الی صلابه هذا السید العلم
والله ایده بالنصر فانتصر العملاق	بعد جهاد اء فی الأمم

(عبدالرحیم، پیشین، ۹۱/۲)

امام حسین (ع) و خمینی کبیر، هر دو طبع منبع دارند که از اجداد خود به ارث

برده‌اند. خمینی بزرگ اراده امام حسین (ع) و شجاعت علی بن ابی طالب (ع) را از آن دو به ارث برده است. از این رو، دشمنان از هیبت و صلابت وی به وحشت افتادند و خداوند با یاری خویش ثمره جهاد را (پیروزی) به او ارزانی داشت. شعر معاصر عربی مطالب یاد شده را این گونه ترسیم می‌کند:

در جای دیگر شعر معاصر عربی، شاعر صدای رسام امام را در صحنه جهاد و مقاومت به تصویر کشیده است. بدین گونه که امام بانگ برآورد که همه جهانیان بشنوند و به مانند جدش حسین بن علی (ع) خود را با حماسه‌سرایی و رجزخوانی چنین معرفی کرد:

«من مسلمانی آزاده، بلند همت و بلند پروازم که به مرگ در راه حق راضی شده و به استقبال آن می‌روم؛ من باخون خود در پهن دشت آسمان نوشته‌ام که اگر خون شهید نباشد، دین خدا و عبودیتش در جهان متحقق نمی‌شود.»

شاعر بانگ امام را در شعر خویش بدین گونه زیبا منعکس کرده است و از ملت خویش می‌خواهد که بدان گوش فرا دهند:

«کالنسر فوق القمه السماء»	أنا مسلم حر الارادة شامخ
و كتب في افق السماء بدمائي	أنا سرت اللموت المحتم راضياء
لم يعبد الرحمن في الأرجاء»	«لو لانفجار دم الشهاده هادراً
عنهم تحدث «سوره الاسراء»	أنا من اولی بأس رجال لم تزل

(شیخ یوسف، یا امه...، ۶۲)

(بیابید و) به صدای انسان پیکارگر استوار، گوش فرا دهید که (برای معرفی خویش) بانگ برآورد و هستی با پژواک خود آن را پاسخ گفت. (در همه هستی پیچید) (او خود را چنین معرفی کرد):

من مسلمان، ازادی خواه، بلند همت و بلند پرواز چون عقاب بر بالای قله‌ای سر به فلک کشیده، هستم. من به رضایت به مرگ حتمی و مقدر، جنبش و جهاد

خویش را پی گرفتم و با خون خود در افق آسمان نوشتم:
 که اگر خون شهادت منفجر نمی‌شد و فوران پیدا نمی‌کرد، جهانیان خدای
 رحمان را عبادت نمی‌کردند. من از جمله صاحبان قدرت، صلابت و شجاعت
 هستم، مرانی که همواره سوره اسراء درباره آنان سخن می‌گوید.
 خمینی بزرگ نه تنها خود در میدان جهاد و فداکاری به استقبال مرگ رفت، بلکه
 چهره زیبای فداکاری، شهادت و جان سپرده بر بالای نیزه‌ها را آن گونه که از
 حسین (ع) و عاشورا آموخته بود، نمایاند و آن را شاهدی بازاری کرد، به طوری که
 اموج عاشقان به سمت او پرتاب می‌شدند و این موجب شد که دستگاه جور و ستم
 متلاشی و ویران، و کفر، محو و نابود گردد.

شاعر معاصر عرب این مطلب را بدین گونه به تصویر می‌کشد:

أقمت الفنا سوقاً علی ساحه الفنا الی أن تلاشی الجور و انسحق الکفر
 (عبدالرحیم، پیشین، ۱۰۰/۲)

جان سپرده را بر بالای نیزه‌ها در بازاری (گرم که همه برای رفع نیاز بدان رفت و
 آمد می‌کنند) در آوردی (تا همه خواسته خویش یعنی شهادت را برآورده کنند) تا
 جور و ستم متلاشی، و کفر نابود گردید.

نتیجه

۱. نهضت امام حسین (ع) نقش مهم و تأثیر بسزایی در پیدایش انقلاب اسلامی ایران در همه مراحل پیش از پیروزی، پیروزی و پس از آن داشته و در حقیقت الگوی روشن، گویا و نیکویی برای انقلاب اسلامی بوده است.
۲. همه عوامل و اسبابی که به قیام عاشورای حسینی منجر شد، در پیدایش جنبش الهی مردم امام ظهور و بروز کرد. در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:
 الف) وجود حکومت ظالمانه شاه و فراگیر دن ظلم و ستم دستگاه جائزانه.

- ب) از بین بردن ارزشهای برگرفته از قرآن کریم و سنت رسول الله (ص) و جایگزین کردن فرهنگ مبتذل غرب در همه سطوح جامعه.
- ج) شناخت وظیفه و احساس مسئولیت و تکلیف شرعی در برابر آن.
۳. عاشورای حسینی درس جهاد، شهادت، صبر و پایداری را به عنوان یک فرهنگ به همگان آموخت و امام این فرهنگ را که پوشیده از غبار غفلت و فراموشی بود، در میان همه اقشار جهان از پیر و جوان، زن و مرد احیا کرد به گونه‌ای که همگان در صحنه‌های نبرد حضور می‌یافتند و حماسه‌سرایی می‌کردند و عاشقانه و سرمستانه مرگ را در آغوش می‌گرفتند.
۴. امام خمینی (ره) حسین گونه در صحنه‌های مختلف جهاد و شهادت حاضر شد و با الگو گرفتن از نهضت عاشورا، مردم را نسبت به موارد یاد شده آگاه ساخت. او در حقیقت معمار و سکان دار کشتی انقلاب بود.
۵. مردم در این میان چون اصحاب با وفای امام حسین (ع) به گرد امام خمینی درآمده به گوش جان سخنان او را می‌شنیدند و پیروی می‌کردند و عاشقانه سر و جان می‌باختند.
۶. شاعران معاصر عرب با ادراک قوی، پرده از نقش و تأثیر نهضت امام حسین (ع) بر انقلاب اسلامی برداشته و هنرمندانه و با بیان زیبا آن را در تابلوی شعر عربی ترسیم کرده‌اند.

منابع

الف) کتابها

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، لهوف، ترجمه صفی، کتابفروشی علمی، قم، ۱۳۸۲ق.
۲. الحران، ابن شعبه، تحف العقول، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۳ش.
۳. خمینی، روح الله، صحیفه نور، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

تهران، ۱۳۶۱.

۴. خوارزمی، موفق الدین احمد بن محمد، مقتل الحسين.

۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری، دارالتراث، بیروت، بی تا.

۶. عبدالرحیم، محمد، فرائد القصائد فی الخمينی القائد، دارالمختارات العربیه، دمشق، ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۱ م.

۷. معاونت پژوهشی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قیام عاشورا در کلام و بیان امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۳.

۸. نجفی، محمد صادق، سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ ش.

ب) مجلات

۱. مجله الثقافه الاسلامیه، شماره ۳۱، رایزنی فرهنگی ایران در دمشق، دمشق، سوریه، ذوالقعدہ و ذوالحججه، ۱۴۱۰ هـ / ۱۹۹۰ م.

۲. مجله الراصد، شماره ۹، لبنان، بیروت، تموز ۱۹۹۱ م.

۳. مجله الراصد، شماره ۱۷، لبنان، بیروت، آذار ۱۹۹۲ م.

۴. مجله الراصد، شماره ۲۱، لبنان، بیروت، تموز ۱۹۹۲ م.

۵. مجله المنطق اللبنايه، شماره ۵، لبنان، بیروت، ۱۳۹۹ هـ / ۱۹۷۹ م.

The Impact of Ashura Movement on the Islamic
Revolution of Iran: From the Arabic Poetry Viewpoint

Jalal Marami

Allameh Tabataba'i University

In this article, the researcher, first, considers the principles and factors of the formation of "Ashura Movement" and then surveys the impact of this movement on the Islamic Revolution of Iran.

Based on the holy sayings of Imam Hossein (p.) which were effective in Imam Khomeini Movement, the modern Arabic poets talked about the emergence, formation, and victory of the Islamic Revolution of Iran. Imam Khomeini (R.) could make the people well familiar with the present situations and conditions of the Iranian community.

Based on Imam Hossein (p.) Ashura Movement, he led the Islamic Revolution quite well and caused the Revolution to be victorious.

Key words: Ashura Movement, the Islamic Revolution, the Modern Arabic Poetry, Imam Hossein (p.), Imam Khomeini (R.), influence.